

بررسی و تحلیلی فقهی و حقوقی جرم پولشویی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

امیر فضلی^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی

چکیده

به فرایند تبدیل پول‌های کثیف به پول تمیز پولشویی گفته می‌شود. در واقع این روش به نوعی فریب دادن قانون و مشروع نشان دادن اموال و پول‌های به دست آمده است. مهمترین هدفی که افراد در پولشویی دنبال می‌کنند، تپهیر و مخفی کردن منشا مجرمانه پول‌هایی است که در اختیار دارند تا به این وسیله هم جرم منشا مخفی بماند و هم بتوانند بدون دردسر از پول‌های بدست آمده استفاده کنند. پولشویی در دسته جرایم اقتصادی قرار می‌گیرد که برای مرتکبین درآمد سرشاری را به همراه دارد. در واقع مجرمان با استفاده از این روش تلاش می‌کنند که وجوه و اموال بدست آمده از طریق جرایم مختلف را با اهداف مختلف مانند فرار از دست مأموران و ضابطان قضایی و عدم جلب توجه، از طریق کانال‌هایی انتقال دهند تا بتوانند وجهه قانونی و شرعی برای این اموال و درآمدها به وجود آورند. برای مبانی فقهی جرم انگاری پول شویی می‌توان به آیات، روایات و قواعد فقهی متعددی اشاره کرد. این جرم یک جرم ثانویه و به معنای مخفی کردن آگاهانه ماهیت و منشاء نامشروع اموال حاصل از ارتکاب این جرایم است. با توجه به اهمیت بالای موضوع در این مقاله قصد داریم به بررسی و تحلیلی فقهی و حقوقی جرم پولشویی بپردازیم.

واژگان کلیدی: پول شویی، جرم انگاری، فقه امامیه، پول های کثیف

^۱ amirfazli۱۱۲۹@gmail.com

بخش اول: تعریف، شناسایی و تاریخچه جرم پولشویی

بند اول: بررسی و شناخت جرم پولشویی

فرآیندی که طی آن خلافکاران و صاحبان دارائی های غیرقانونی به گونه ای عمل می کنند که نشان دهند پولی را که خرج می کنند در واقع متعلق به خود آنهاست و از راه قانونی بدست آمده است. به عبارت دیگر پولهای کثیف ناشی از اعمال خلاف به پولهای تمیز تبدیل گردیده و در بدنه اقتصاد جایگزین میشود. این عمل یک روش معمول و منطقی برای بدست آوردن سود از فعالیتهای غیر قانونی برای مجرمان میباشد. پول شویان کسانی هستند که یا خود اعمال خلاف را انجام داده و پولهای ناشی از آن را تطهیر می کنند و یا افرادی هستند که پولهای خلاف را بطور آگاهانه یا ناآگاهانه در سیستم مالی و اقتصادی کشور وارد می کنند. پولشویی مجموعه اقداماتی است که برای جابجایی پول حاصل از دادوستد غیر مشروع و بر خلاف قانون به شکل سازمان یافته با هدف تغییر مشخصات، نوع پول و بکار برده می شود. روشهایی مانند ایجاد سازمان های خیریه، ایجاد شرکت های جلوه دار و... برای شستن پول های کثیف بکار برده می شود. یکی از مهم ترین راههای پیشگیری از پول شویی کنترل فساد مالی اداری در بخش دولتی می باشد.

بند دوم: تاریخچه جرم پولشویی

تاریخچه ی آغاز پول شویی را از اوایل قرن بیستم می دانند و بنا به نظر برخی از اقتصاددانان پولشوئی ریشه در مالکیت مافیا بر شبکه ای از رختشویخانه های ماشینی در ابتدای دهه ۱۹۳۰ در آمریکا دارد. طی این سالها، همزمان با بحران اقتصادی آمریکا، دزدان و گانگسترها پولهای کلان بدست آورده را از اخاذی، فحشاء، قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکلی، کازینوها و قمارخانه ها که منشاء غیرقانونی داشتند به طریق مختلف مشروع و قانونی جلوه می دادند، یکی از راههای مشروعیت بخشیدن به این درآمدها، ایجاد کسب و کار و اشتغال برای عده ای از افراد بیکار جامعه بود که سرمایه گذاری در رختشویخانه ها یکی از کارهایی بود که در جهت قانونی نشان دادن پول های نامشروع صورت گرفت، اما عده ای دیگر از کارشناسان اقتصادی و مالی عقیده دارند که انتساب منشاء پدیده ی پولشوئی به گروههای گانگستری و مافیائی دهه ی ۱۹۳۰ نمی تواند واقعیت داشته



باشد و رواج اصطلاح پولشوئی را به جریان رسوائی سال ۱۹۷۳ و اترگیت و حادثه خلیج خوکها به نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا نسبت می دهند این واژه نخستین بار در سال ۱۹۸۲ در چارچوب روابط حقوقی و قضایی در دادگاهی در آمریکا مطرح گردید و از آن پس در سطح گسترده ای به کار گرفته شد و به اصطلاحی متداول در سراسر جهان تبدیل شد. در حال حاضر رشد اقتصادی و رونق بازارهای مالی و همچنین تغییر و تحولات پولی و رشد اقتصادی در کشورهای اروپائی باعث گسترش جرائم سازمان یافته مانند سرقت، قاچاق مواد مخدر، آدم ربائی و دیگر اعمال خلاف شده است. سازمانهای به وجود آمده، کلیه ی عملیات خلاف سودآور را نشانه رفته اند و یکی از فعالیت های مهم این سازمانها پول شویی می باشد. پولشوئی فعالیتی غیرقانونی می باشد که طی آن در آمد و سود ناشی از اعمال خلاف وارد چرخه اقتصاد شده و مشروعیت قانونی می یابد. با توجه به اثر مهلک و با اهمیت پول شوئی بر سلامت اقتصاد، لازم است توجه بیشتری به راههای مقابله با آن مبذول کرد و مقررات مفصلتری در این زمینه تدوین نمود و از آنجا که پول شوئی ماهیتی فراملی دارد مقابله با آن نیز مستلزم تلاش و همکاریهای بین المللی خواهد بود و با توجه به آثار سوء پول شوئی بر بدنه اقتصاد سالم و زیانها و تبعات ناشی از آن شناخت و شناسائی زوایای آن برای مدیران اقتصادی و بانکی و قانونگذاری و مقامات قضائی و انتظامی ضروری به نظر میرسد.

بخش دوم: انواع پول های غیر قانونی و نامشروع

پولهایی که می تواند به صورت نامشروع در جامعه مطرح باشد و خلافکاران به روش های مختلف تلاش در مشروعیت بخشیدن و تطهیر آنها دارند سه دسته می باشند:

الف) پولهای خاکستری: پول های خاکستری، درآمدهای حاصل از فروش کالا و یا انجام دادن کارهای تولیدی است، ولی از نظارت دولت پنهان می ماند و دولت از آنها بی اطلاع است که معمولا برای فرار از مالیات این کارها را انجام می دهند، به عبارت دیگر پولهای خاکستری: به درآمدهایی گفته می شود که از کانال هایی زیر زمینی پنهانی، به دور از چشم مأموران حکومتی به دست می آید.

زمینه پیدایش پولهای خاکستری در کشورهایی که اقتصاد آنها بیشتر در حوزه دولت قرار دارد و دولت سازمان دهنده منافع اقتصادی به شمار می رود بیشتر است و از آنجایی که اقتصاد ما هنوز در حوزه دولت قرار دارد پیدایش پولهای خاکستری فراهم تر از انواع درآمدهای غیر قانونی است. با پول های سیاه: درآمدهای حاصل از قاچاق کالا و شرکت در معاملات پر سود است که خارج از عرف طبیعی در جامعه صورت می گیرد.

ج) پولهای کثیف یا سرخ: پول های کثیف یا پولهای آغشته به خون پولهایی است که مربوط به نقل و انتقال مواد مخدر، قاچاق انسان یا عملیات تروریستی است، به عبارت دیگر به پولهایی که از اقدامات ضد بشری و خیانتکارانه حاصل می شود و با زندگی و جان انسان ها مرتبط می باشد اطلاق می شود (احمدی نژاد منفرد ۱۳۸۸: ۳۸).

بخش سوم: نگاهی اجمالی به شیوه های ارتکاب جرم پول شویی

با توجه به متنوع بودن روشهای کسب سود از اعمال خلاف، بالطبع شیوه های تطهیر پول نیز پیچیده و متنوع خواهد بود. به عبارت دیگر شیوه های پول شویی به عواملی چون نوع خلاف انجام شده، نوع سیستم اقتصادی و قوانین و مقررات کشوری که در آنجا خلاف صورت گرفته و نوع مقررات کشوری که در آنجا پول تطهیر میشود بستگی دارد. از معمولترین و مهمترین روشهای پولشویی این است که پول شویان برای کاهش جلب توجه مجریان قانون به عملیات پول شویی، مقادیر زیادی پول نقد را به مقادیر کوچکی تبدیل نموده و یا بطور مستقیم در بانک سرمایه گذاری کرده و یا با آن ابزارهای مالی چون چک، سفته و غیره خریده و در مکانهای دیگر سپرده گذاری می کنند. از شیوه های دیگر تطهیر پول می توان به سرمایه گذاری موقت در بنگاههای تولیدی، تجاری قانونی، سرمایه گذاری در بازار سهام و اوراق قرضه، ایجاد سازمانهای خیریه قلابی، سرمایه گذاری در بازار طلا و الماس، شرکت در مزایده هایی اجناس هنری و کالاهای قدیمی و انتقال پول به کشورهای دارای مقررات بانکی آزاد مثل کشور سوئیس اشاره نمود. به صورتی که پول کثیف زمانی که در فعالیتهای قانونی وارد شده و سرمایه گذاری شود، در طول گردش و دست بدست شدن با پولهای تمیز مخلوط میشود بطوری



که دیگر شناسایی آن ناممکن می‌گردد.

به طور کلی، این فرایند مجرمانه شامل سه مرحله است:

۱- جاسازی (Placement)

اولین مرحله از فرایند پول شویی، عرضه منابع غیرقانونی به شبکه مالی با هدف تبدیل منابع و درآمدهای مزبور به ابزارهای مالی است. این عمل با سپرده گذاری نقدی در مؤسسات مالی رسمی، غیر رسمی یا خرید کالاهای گران قیمت انجام می شود.

۲- لایه سازی (Layering)

این مرحله ناظر به تبدیل درآمدهای حاصله از جرم به اشکال دیگر است تا زنجیره عطف حسابرسی (Audit Trail)، منبع و مالکیت وجوه و منابع مبهم شود. این مرحله با انجام عملیاتی مانند حواله وجه، خرید مستغلات و انتقال منابع به خارج از کشور انجام می شود.

۳- یکپارچه سازی (Integration)

آخرین مرحله از فرایند پولشویی، یکپارچه سازی یا فراهم کردن و ایجاد پوشش قانونی برای درآمدهای حاصل از فعالیت مجرمانه است، به نحوی که درآمدهای تظہیر شده با استفاده از این فن وارد جریان اقتصادی مشروع می شوند؛ (جزایری، ۱۳۸۲: ۱۱۴). همان طور که ملاحظه می شود، جلوگیری از ورود درآمدهای نامشروع این تشکلهای که یک مبارزه بازدارنده تلقی می شد، خود منجر به بروز فرایند مجرمانه پول شویی شد.

اما همان طور که در ادامه خواهیم دید، با توجه به مزایای بسیار جلوگیری از ورود درآمدهای نامشروع این تشکلهای، این بار هم سیاستگذاران تصمیم گرفتند به وضع قوانین و مقررات در این حوزه ادامه دهند. به این ترتیب، ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ برای اولین بار قانون کنترل پول شویی (The Money Laundering Control Act) را به تصویب رسانید.

لازم به ذکر است یکی از دلایلی که جرایم سازمان یافته فراملی تلقی می شوند، این است که معمولاً هر یک از مراحل پول شویی در کشوری به اجرا در می آید که از بستر مناسب تری برای تحقق اهداف آن برخوردار است. به این ترتیب، غالباً مرحله اول در همان



کشوری که درآمد جرم سازمان یافته از آنجا به دست می آید به انجام می رسد که به فراخور اوضاع و احوال آن کشور با اقدامات مجرمانه و مخفیانه همراه است. اما برای تحقق مرحله دوم، ممکن است یک بانک به اصطلاح ساحلی دوردست، یک مرکز بزرگ تجاری منطقه ای با یک بانک بین المللی که از امکانات مناسبی برخوردار است انتخاب شود.

اصولا پول شویان در این مرحله مؤسساتی را انتخاب می کنند که خدمات خود را بدون رهگیری مبدا و یا مقصد مبادلات ارائه می دهند. اما مرحله آخر، از آنجا که بی ثباتی موقعیتهای اول و دوم را پشت سر گذاشته و وضعیت پایداری پیدا کرده است، مسلمة وجوه مورد نظر به کشورهای انتقال می یابد که از ثبات اقتصادی بالایی برخوردارند و سپرده های آنها را تضمین می کنند. در ادامه خواهیم دید که پول و بانکداری الکترونیک از چه نقش به سزایی در کوتاه کردن این مراحل و ارتکاب سریع و بی دغدغه آن به عهده دارند. بنابر این، استمرار حیات تشکل های مجرمانه سازمان یافته در گرو پول شویی است و به این ترتیب، مبارزه با آن می تواند مؤثرترین مبارزه با آنها باشد. این رهیافت نسبت به دیگر اقدامات اتخاذ شده به ویژه مبارزه مسلحانه، از مزایایی برخوردار است. از جمله:

۱- تنها اقدامی که باید انجام داد وضع یک سری مقررات کارآمد و مناسب برای نظام پولی و بانکی و بنگاههای اقتصادی و نظارت بر حسن اجرای آنها می باشد تا از ورود منافع مادی نامشروع به چرخه های اقتصادی جلوگیری شود.

۲- از آنجا که این رهیافت از ورود درآمدهای نامشروع به چرخه اقتصاد جلوگیری می کند، از وارد آمدن لطمات اقتصادی جبران ناپذیر مذکور ممانعت به عمل می آید.

۳- برخلاف مبارزه مسلحانه که عمدتا رویارویی با عناصر اجرایی و لایه های خارجی این تشکل هاست و از بین بردن آنها کمتر تأثیری در شاکله آنها ندارد، از آنجا که مبارزه با پولشویی مبتنی بر حسابهای مالی آنهاست، در شناسایی عناصر کلیدی شانس بیشتری وجود دارد.

با توجه به توضیحاتی که داده شد، به نظر می رسد در مبارزه با جرایم سازمان یافته به ویژه از طریق وضع مقررات ضد پول شویی تردیدی باقی نمی ماند. اما نکته حائز اهمیت این است که اخیرا پول و به تبع آن نظام بانکی دچار تغییر و

تحولات بنیادینی شده است. پول و بانکداری الکترونیک جلوه جدیدی از این ابزارهای زیربنایی اقتصادی هستند که تحول عظیمی را در این حوزه بوجود آورده اند و به خاطر مطلوبیتهای شگرفی که از آن برخوردارند، برای شکل های مجرمانه سازمان یافته ای که حیاتشان به پولشویی وابسته است، بسیار ارزشمند هستند.

بخش چهارم: نگاهی اجمالی به انواع پولشویی

۱- پول شویی درونی: شامل پولهای کثیف که از فعالیت های مجرمانه و در داخل خاک یک کشور میشود که در همان کشور شسته میشود.

۲- پول شویی مہار شونده: شامل پولهای کثیف به دست آمده از فعالیت های مجرمانه که در داخل خاک یک کشور کسب و خارج از آن کشور تطهیر می شود.

۳- پول شویی بیرونی: شامل پولهای کثیف به دست آمده از فعالیت مجرمانه انجام شده در سایر کشورها که در خارج نیز شسته می شود.

۴- پولشویی وارد شونده: که شامل پولهایی که از فعالیت مجرمانه در سایر نقاط بدست آمده و در داخل خاک یک کشور مورد نظر شسته می شود.

بخش پنجم: پولشویی از منظر امام خمینی (ره)

از دیدگاه امام تطهیر مال، نامشروع و باطل است؛ یعنی هم حرمت تکلیفی و هم حرمت وضعی دارد امام خمینی می فرماید: «خریدن چیزی که از قمار، یا دزدی، یا از معامله باطل تهیه شده باطل و تصرف در آن مال حرام است. و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب اصلیش برگردانده (امام خمینی ۱۳۸۷: ۳۱۵-۳۱۴ م ۲۰۷۰). بنابراین تطهیر مال غیر مشروع با معامله و داد و ستد که جلوه مشروعی دارد صورت نمی گیرد از این رو ایشان می فرمایند که اگر صاحب آن مال را می شناسد باید آن پول را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش از دنیا رفته است باید به ورثه اش بدهد اگر صاحب آن را نمی شناسد باید به همان میزان، از طرف صاحبش صدقه به فقیر بدهد. همچنین می فرماید: «اگر خریدار بخواهد پول جنس را بعد از حرام بدهد، و از اول هم قصدش این باشد معامله اشکال دارد. و اگر از اول قصدش این نباشد معامله صحیح است ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد» (امام خمینی ۱۳۸۷: ۱۳۱۴ ۲۰۶۶). از این سخن استفاده می شود مالی که اصل آن حرام است تطهیر نمی شود و اگر از ابتدا قصد



این باشد از نظر وضعی نیز باطل است

از امام سؤال نمودند که به کارمندان بانک نیز مثل کارمندان دیگر ادارات دولتی در زمان بازنشستگی حقوقی پرداخت می کنند اینجانب هم، که کارمند بانک هستم آیا در صورت بازنشسته شدن مجاز به اخذ و صرف حقوق مربوطه از بانک می باشم یا خیر؟

ایشان در جواب فرمودند: اگر فقط برای عمل حرام استخدام شده باشد حقوق بازنشستگی هم حرام است ولی اگر برای عمل حلال یا مشترک بین حلال و حرام استخدام شده حقوق بازنشستگی حلال است (امام خمینی بی تا ج ۲: ۲۵)؛ یعنی مالی که منشأ آن حرام باشد دادن جلوه مشروع و قانونی به آن سبب تطهیر آن مال حرام نمی شود

از این فتوی ها استفاده می شود که اگر اصل و اساس مبادله مشروعی حرام باشد آن مبادله حرام و نامشروع است چون انسان مالک مال حرام نمی شود و نمی تواند در آن پول، حتی برای مصارف حلال و خیرات، تصرف کند.

بخش ششم: مستندات فقهی مربوط به پولشویی

برای نامشروع بودن پولشویی به آیات و روایات و قواعد فقهی میتوان استناد نمود که به برخی از آنها اشاره میشود:

(۱) آیاتی که اکل مال به باطل را حرام می دانند.

یکی از ادله اساسی جرم بودن پولشویی حرمت اکل مال به باطل است. حرمت اکل مال به باطل از چند آیه شریفه استفاده می شود از جمله:

الف) آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره که می فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَدْلَوْا بِهَا إِلَى الْغَامِ لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «اموالتان را در میان خود به باطل او از طرق نامشروع نخورید؛ و آن را بسوی قضات بعنوان رشوه سرازیر نکنید تا پاره ای از اموال مردم را به ناحق و گناه بخورید در حالی که حرمت کارتان را می دانید.

ب) آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بَغِمًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید



مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است.

مفردات آیه: اول - اکل

اکل در لغت به معنای خوردن است اما به طور مجازی در گرفتن و تصرف نیز استعمال می شود علامه طباطبایی می فرماید: «منظور از اگل، گرفتن یا مطلق تصرفات است» (طباطبایی بی تاج ۲: ۵۱) بعضی در معنای واژه اکل می نویسند: مقصود از اکل تنها تصرف حقیقی نیست بلکه شامل تصرفات اعتباری یعنی تملک و تصاحب هم می شود» (گرجی ۱۳۸۳: ۲۴) پس مقصود از اکل، مطلق تصرف است که شامل تصرفات اعتباری (تصرفات حقوقی) یعنی تملک و تصاحب هم می شود.

دوم - مال

لغت ماله، دارای معنا و مفهوم روشنی است علامه طباطبایی، همچنین در مورد واژه امال» می نویسد: «مال عبارت از ملک است که طبعاً مورد رغبت و میل باشد و گویا اصلاً از «میل» گرفته شده، به خاطر اینکه دل ها به آن مایل است» (طباطبایی بی تاج ۲: ۵۱) امام خمینی نیز در این مورد فرموده اند. به فرض اعتبار مالیت در ماهیت بیع آنچه در مال بودن معتبر است مالیت عرفی است.

بنابراین اگر فرض شود چیزی از دیدگاه شارع اقدس مال نیست اما از دیدگاه عرف مال است ضرری به صدق بیع بر آن دلالت ندارد و در وسع شارع نیست که مالیت عرفی را ساقط نماید و آنچه در وسع شارع است سلب مطلق آثار یا برخی از آثار است معنای کلام ایشان این است که اصولاً در اینکه چه چیز مال است، اصطلاح خاص دینی وجود ندارد، بلکه مالیت امری عقلایی و انتزاعی است. . . بنابراین هر چیزی که دارای منفعت حلال و مورد رغبت عقلاً باشد و شارع آثار مالیت را بر آن مترتب کند و طبعاً بیع و دیگر تصرفات در آن را اجازه دهد و اتلاف آن را موجب ضمان بداند مال محسوب می شود و در هر چیزی که منافع حلال ندارد و شارع مقدس نیز آثار مالیت آن را القا نموده باشد، ارزش مالی برای آن چیز در نظر گرفته نمی شود. محقق بجنوردی تمام چیزهایی را که حوائج و امور زندگی انسان به وسیله آن برطرف می گردد یا می تواند وسیله تحصیل آن امور



قرار گیرد، به عنوان مال شمرده است (موسوی بجنوردی ۱۴۱۹ ج ۲: ۳۰).

سوم - باطل

در مورد واژه باطل گفته شده است: هر چیزی که حق نباشد باطل خواهد بود» (ابن منظور ۱۴۰۵ ج ۱۱: ۵۶) مرحوم طبرسی هم بعد از آنکه در معنای باطل، وجوه و احتمالاتی نظیر رباخواری، رشوه گیری، غصب و تصرفات عدوانی، مبادلات غیر مشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، خوردن مال یتیم و... را نقل می کند، چنین می گوید: نظر ارجح، حمل آیه بر همه این وجوه است، چون آیه همه آنها را در بر می گیرد (طبرسی ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۳۴).

لا قرطبی می گوید: مصادیق باطل شامل قمار، حيله و نیرنگ، غصب، انکار حق و آنچه مالک آن راضی نبوده و یا آنچه شرع تحریم نموده باشد هر چند صاحب آن راضی باشد می گردد (قرطبی ۱۴۰۵ ج ۲: ۳۳۸).

از تفاسیر استفاده می شود که اموالی که از راه نامشروع به دست می آید اکل مال به باطل است شیخ طوسی در ذیل آیه ۱۸۸ سوره بقره در مورد اکل مال دو معنا ذکر می کند: یکی تملک

کردن اموال دیگران بر حسب ظلم و تعدی است مثل خیانت و سرقت و غصب. . . و دوم اموالی است که از راه غیر مشروع به دست می آید مثل قمار و... که همه آنها از جمله اکل مال باطل است (شیخ طوسی بی تا ج ۲: ۱۳۸).

فیض کاشانی نیز در تفسیر این آیه می گوید: همه تصرفات و تملکات از طریق باطل در زمره امور غیر محلل و غیر مشروع قرار می گیرد (فیض کاشانی ۱۴۱۶ ج ۱: ۲۲۶).

امام خمینی می فرماید: «کصحيحة زياد بن عيسى الحذاء، قال: سألت أبا عبد الله - عليه السلام عن قوله عز وجل ولا تأكلوا أموالكم بغيركم بالباطل، فقال: «كانت قریش يقامر الرجل بأهله وماله، فنهاهم الله عز وجل عن ذلك» (امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۶۶)؛ مانند صحیحہ زياد بن عيسى می گوید: از امام صادق (ع) در رابطه با آیه که فرموده: و اموال یکدیگر را به باطل او ناحق در میان خود نخورید پرسیدم فرمود: مردان قریش مال و خانواده خود را قمار می کردند از این رو خداوند آنها را از این امر نهی نموده

صاحب تفسیر المیزان در توضیح این آیه شریفه آورده که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در برمی گیرد و ذکر قمار و امثال آنها آربا، رشوه و... در بسیاری از روایات از باب انحصار نیست بلکه در حقیقت از باب بیان مصداق است. بنابراین آیه بیانگر آن است که هر تصرف، یا دارا شدنی که مطابق با شرع نبوده و از طریق اسباب غیر قانونی حاصل شود، باطل و غیر حق است (طباطبایی بی تاج ۲: ۵۲).

با توجه به مباحث لغوی و تفاسیری که در مورد اکل مال به باطل گفته شد در می یابیم که اولاً منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است. ثانیاً منظور از مال هر چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل می شود. ثالثاً منظور از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی سوگند دروغ و غیره. از نظر اسلام هر گونه تصرف در اموال و دارایی ها باید براساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد، و هرچه غیر از این باشد، حرام و باطل است. براین اساس، تحصیل در آمد از راه های غیر مشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و «باطل» به عمومیت و اطلاقش، همه را شامل می شود، بنابراین باطل محدود و منحصر به موارد خاصی نیست بلکه مفهومی گسترده و عام دارد و هر گونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و حتی تصرفهای ناروا و غیر مشروع در اموال خویش و نیز هرچه که غیر حق باشد، باطل شمرده می شود. در نتیجه، باطل بر تمام عواید نامشروع و هر تصرف غیر حقی اطلاق می شود.

امام خمینی در تفسیر آیه «یا ایها الذین آمو لا تأکلوا أموالکم بگم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض نكم می فرماید: اما استدلال به مستثنی منه (اکل اموال بباطل) در او دو امر احتمال داده می شود:

۱) مراد از نهی از اکل مال بالباطل این است که باطل نمی تواند سبب نقل و تملیک شود پس نظر در مستثنی و مستثنی منه به این است که اسباب باطل نافذ نیست.

۲) مراد از نهی از اکل مال بالباطل این است که خوردن مالی که از راه باطل حاصل شده حرام است پس نظر از ابتدا به حرمت خوردن مال حاصل از باطل



است اگر چه لازمه این سخن بطلان سبب و نافذ نبودن آن است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱: ۱۷۱-۱۷۰).

اما نکته ای که در مورد موضوع بحث مهم و باید روشن شود، ضابطه و ملاک باطل در اکل مال به باطل است. با نگاه و جستجو در کلام فقها دو نوع باطل وجود دارد: (۱) باطل واقعی یا شرعی؛ (۲) باطل عرفی یا عقلایی

باطل واقعی یا شرعی: به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام، و به بطلان آنها تصریح شده باشد، باطل واقعی یا شرعی گفته می شود مثل رشوه، سرقت، قمار، غصب و غیره.

باطل عرفی یا عقلی: تمام چیزهایی که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد، باطل عرفی نامیده می شود. بنابراین با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی باید دید منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل، کدام است؟

در این مورد بین فقها اختلاف نظر است صاحب مصباح الفقاهه می گوید: مراد از باطل، باطل واقعی و شرعی است. به تعبیر دیگر، ایشان قائلند که هر چه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است (خوبی ۱۳۷۱ ج ۲: ۱۴۱). ولی بعضی از فقها مانند امام خمینی قائلند، در جایی که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری از شرع مقدس نصی نباشد و یا مصادیقی نباشد، تشخیص و فهم باطل به عرف واگذارده می شود. شیخ انصاری در بسیاری مسائل، ملاک باطل را عرف میداند (انصاری ۱۴۱۹ ج ۵: ۲۰).

از امام خمینی سؤال شد تشخیص موضوعات که در رابطه با مستنبطات روایات و ادله شرعیه نیست، با کیست؟ اگر با عرف است آیا مجتهد می تواند تعیین مصادیق عرفیه کند؟ یا باید به عرف

واگذارده؟ و اگر در موردی نظر مقلد با مجتهد متفاوت بود، کدام یک از نظرها لازم الاتباع است؟

امام فرمودند: میزان عرف است و اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد باید از عرف نظر خواهی کنند. و اگر هر یک مدعی است که عرف چنین است، هر یک به نظر خود عمل کند امام خمینی بی تاج (۱: ۱۸)

نکته ۱: تشخیص باطل و فهم باطل زمانی به عرف واگذار می شود، که در مورد



بطلان یا عدم بطلان امری، از ناحیه شرع، نصی در دست نداشته باشیم و یا مصادیق با موارد آن بیان نشده باشد؛ زیرا اگر بطلان یا عدم بطلان امری از ناحیه شرع، مسلم باشد، دیگر جای بحث نیست، چه عرف آن را باطل بداند یا نداند. فهم عرف در صورتی کارساز است که شرع، نسبت به آن ساکت باشد.

از باب مثال، امکان دارد ربا را عرف باطل نداند ولی شرع باطل بداند و همچنین امکان دارد عرف عقود و معاملاتی مانند حق الشفعه را باطل بداند، ولی در شرع، بر صحیح بودن آن تصریح و تأکید شده باشد:

نکته ۲: دیگر اینکه نقش زمان و مکان در تشخیص باطل بسیار حائز اهمیت است. لذا نمی توان فقط مواردی را که مفسران و فقها به عنوان مصادیق باطل برشمرده اند، منحصر به عنوان مصادیق باطل بیان کرد؛ زیرا با دگرگونی شرایط زمان و مکان، امکان دارد شکل های دیگری از باطل، رخ نماید و مصداق روشن باطل باشد (اسماعیلی ۱۳۷۳: ۱۳۶-۱۳۴).

امام خمینی در این زمینه می فرماید: زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد در یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعه موضوع جدیدی شده است که قهره حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (امام خمینی به ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹).

بنابراین ممکن است مواردی را که فقها در گذشته مصداق باطل دانسته اند، اکنون مصداق باطل شمرده نشوند.

بند اول: دلالت حدیث

اگر چه این حدیث در خصوص اموالی وارد شده است که منشأ آن راهزنی و دزدی است؛ اما در قسمت آخر حدیث، امام (ع) به صورت یک حکم کلی می فرماید: هیچ خیری در چیزی که اصل و منشأ آن حرام باشد نیست، این عبارت دارای اطلاق است و شامل هر مالی که منشأ نامشروع و غیرقانونی دارد، می شود. بنابراین اگر این اموال نامشروع تطهیر شوند یا تغییر داده شود موجب مشروعیت



آن نمی شود چون منشأ آن نامشروع است پس دلالت این حدیث بر بطلان عملیات پولشویی روشن و واضح است؛ و در آمدی که از این طریق کسب می شود، حرام و غیر مشروع

بند دوم: حدیث امام صادق (ع)

در کتاب دعائم الاسلام از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده اند: خرید و فروش خوردنی ها و آشامیدنی هائی حلال است، که قوام مردم و حیاتشان به مصرف آنها بستگی دارد و صلاح و مباح است که از آنها برخوردار شوند. آنگاه می فرمایند: «آنچه را که اسلام اصلش را حرام کرده و نهی کرده، خرید و فروش آنها هم جایز نیست» (مغربی ۱۳۸۳ ج ۲: ۱۹). دلالت حدیث بر حرمت پولشویی از این حدیث حکم عامی استنباط می شود و آن اینکه تمام خرید و فروش ها، و حتی مبادلات و انتقالات بر چیزی که اصل آن حرام است، جایز نیست و حرام است. با توجه به اینکه عملیات پولشویی اعم از انتقال، مبادله، تملک، تحصیل و غیره بر روی اموالی صورت می گیرد که اصل آن نامشروع بوده لذا بر این اساس می توان پولشویی را حرام قلمداد کرد.

بند سوم: روایت حج

در روایت آمده اگر فردی از راه نامشروع پولی به دست آورد و با آن پول حج نماید و لبیک بگوید ندا می رسد «لا لبیک ولا سعیدیکه اگر از حلال باشد ندا می رسد (لبیک وسعیدیک) (کلینی ۱۳۶۷ ج ۵: ۱۲۴) بنابراین باحج آن پول تطهیر نمی شود.

بند چهارم: حدیث ابی الحسن

ابی الحسن می فرماید: «ای داوود حرام رشد و نمو ندارد و اگر داشته باشد برکت ندارد و آنچه از آن هزینه می شود اجر و مزدی ندارد و آنچه مانده آتش او را افزون می کننده (کلینی ۱۳۶۷ ج ۵: ۱۲۵) پس پولی که از حرام به دست بیاید و در چرخه اقتصادی بیفتد میمون و مبارک نیست و بعد از مرگ مکتسب (فردی که آن را به دست آورده) عذاب او را بیشتر می کند.



بند پنجم: سیره معصومین

علاوه بر مطالبی که تاکنون در مورد منع و تحریم «اکل مال به باطله در اسلام بیان شد، باید گفت سیره پیشوایان دین نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده است؛ به گونه ای که مراجعه به آنها تردید درباره جواز مقابله و برخورد با این عمل را از بین خواهد برد. چنان که امام علی(ع) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه در مورد استرداد عطایایی که خلیفه سوم از بیت المال به نزدیکان خود بخشیده بود چنین می فرماید: «به خدا سوگند، آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده اگر بیابم به صاحبش برمی گردانم، اگر چه زانی را با آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند. (جعفری ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۴۹). در تفسیر این بخش از خطبه، ابن ابی الحدید می نویسد: علی(ع) در روز دوم از بیعتی که در مدینه انجام گرفت خطبه‌ای خواند و فرمود: آگاه باشید به درستی همه زمین هایی که عثمان بخشیده و هر مالی که از مال خدا را (غیر قانونی و ناحق) اعطا کرده همه باید به بیت المال برگردد چون هیچ چیزی حق گذشته را باطل نمی کند و اگر آن اموال (نامشروع) را پیدا کنم و لو به عنوان صدق زنان قرار گرفته باشد و در شهرها پراکنده شده باشد به حالت اولیه و اصلی خود بر می گردانم» (ابن ابی الحدید بی تا ج ۱: ۲۶۹).

مکارم شیرازی در تفسیر این قسمت آورده که امام علی(ع) در کلام خود تصمیم قاطع خود را برای باز گرداندن اموالی که به ظلم از بیت المال گرفته شده است بیان می دارد تا آنجا که اگر این اموال را در مصارف حساس و خاصی که مربوط به زندگی خانوادگی افراد است صرف شده باشد (در ظاهر تطهیر شده باشد، باز هم باید به بیت المال برگردد تا مردم بدانند آنچه قبلاً عمل شده قانون اسلام نبوده (مکارم شیرازی ۱۳۷۵ ج ۱: ۵۲۷). دلالت سیره بر حرمت و نامشروع بودن پولشویی از سیره معصومین فهمیده می شود که همه اموال و مالکیت های با مبنای غیر مشروع و غیر قانونی که با طی فرآیندی به شکل و ظاهری مشروع در بیایند؛ مثلاً به عنوان صدق و کابینه زنان قرار بگیرد اساساً نامشروع و باطل هستند. بنابراین بر اساس کلام مولی یک قاعده مهم به دست می آید و آن اینکه تصرفات و درآمدهای حاصل از فعالیت های غیر مشروع (کلاهبرداری، اختلاس،



سرقت و...) ولو ظاهر و جلوه ای مشروع پیدا کنند باید باز گردانده شوند.

به عبارت دیگر ارتباط این مطلب با موضوع پولشویی به این صورت است که اگر تصاحب و تملک ناحق اموال بیت المال را به عنوان یک جرم مقدم در نظر بگیریم، به جریان انداختن این اموال نامشروع در کانال های مشروعی مثل قرار دادن آنها به عنوان کابین و مهر زنان و اعمال دیگر، مصداق بارز و آشکار تطهیر و شست و شوی درآمدهای نامشروع است و دستور امام معصوم (ع) مبنی بر مصادره اموال و املاک در هر زمان و مکان و در دست هر کسی که باشد، دلیلی آن است که اگر مبنای عملی نامشروع باشد، ادامه و دنباله آن نیز تا هر مرحله ای که پیش رود نامشروع و باطل بوده و سبب حلال شدن حرام سابق نمی گردد، از این رو این اموال و دارایی ها در هر وضعیت و موقعیتی که یافت شوند باید به حال اولیه خود باز گردانده شده و با مرتکبین آن نیز برخورد شود. امام خمینی می فرماید:

پول های این ملت را از بانک های ایجاد مبالغی بسیار هنگفت، حیرت انگیز - هر یک از اینها قرض کردند، و همان جواهرات و چیزهایی که باید ببرند - آن قدری که می توانستند از اینجا بردند، و بانکهای خارجی، مثل بانک سوییس و مثل امریکا و دیگر بانکها انباشتند از ذخایر ما و از پولهای ما، به اسم اینها یا به اسم خود او، که بیشتر از همه، و یا به اسم اتباع و عشیره او در آن بانکها هست. و همه مال ملت است. اینها ملت را غارت کردند و رفتند

امام خمینی ب ۱۳۸۵ ج ۷ (۲۲۶). در جای دیگر می فرماید: «و مالکیت غیر مشروع محترم نیست. اینهایی که اندوخته کردند و هیچ حساسی نداشتند و هیچ موازینی نداشتند، مال های مردم را اینها اندوخته کردند، مال های مردم مصادره باید بشود. لکن این معنا باید معلوم بشود که مصادره اموال روی موازین اداری، روی موازین قانونی باید باشد» (امام خمینی بی تا ج ۱۰: ۴۷۷). (۱۱) قواعدی که بر حرمت پولشویی دلالت دارند: از جمله ادله فقهی جرم انگاری پولشویی، قواعد فقهی چون قاعده لاضرر، حفظ نظام و مصالح جامعه و ضمان تعاقب ایادی می باشد؛ که به هر یک جداگانه می پردازیم الف) قاعده لاضرر یکی از قواعد مهم و اساسی که کاربرد های زیادی در مسائل فقهی و حقوقی دارد، قاعده لاضرر است. مدرک این قاعده آیات، روایات و عقل می باشد. دلالت قاعده بر حرمت پولشویی مفاد قاعده لا ضرر ولا ضرار این است که ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام مذموم و غیر مشروع است؛ و هیچ حکم ضرری در اسلام نیست؛ یعنی ضرر و زیان در اسلام نفی شده

است و از آنجا که پدیده پولشویی ضررهای فراوانی برای جامعه و نظام اسلامی دارد مشمول قاعده است پس قاعده، دلالت دارد که پولشویی ممنوع است.

امام خمینی نهی را در این روایت نهی حکومتی می داند (سبحانی ۱۴۲۳ ج ۳: ۵۳۵) لذا بر اساس نظریه ایشان در مورد مفاد قاعده لاضرر فهمیده می شود که حکومت اسلامی از هر امر ضرری نهی می کند و مانع می شود که کسی به دیگری ضرر بزند و در واقع هر جا ضرر برای نظام اسلامی و جامعه باشد؛ باید حکومت اسلامی با آن مقابله کند و ضرر را دفع کنید. بنابراین با توجه به ضررهای مخربی که پدیده پولشویی برای جامعه اسلامی دارد وظیفه دولت است که با پولشویی مقابله و آن را جرم انگاری کند.

ب) قاعده حفظ نظام و مصالح جامعه از مستندات نامشروع بودن پولشویی یا تطهیر پول، حفظ نظام و مصالح عمومی است.

قاعده حفظ نظام مورد توجه و مطلوب شارع مقدس بوده است از این رو هر امری که اخلال به نظام وارد نماید نامشروع است این قاعده بارها در بسیاری مسائل توسط فقیهان مورد استدلال و استناد واقع شده است؛ مثلاً، نبودن قاضی و دادرس در جامعه موجب اخلال در نظم می شود از این رو صاحب جواهر، وجوب نصب قاضی را مستند به جلوگیری از اختلال نظام می دانند. امام خمینی حفظ نظام و مصالح مسلمین را فلسفه و دلیل وجوب تشکیل حکومت می دانند (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۴۶۱) بنابراین از توضیحات گفته شده به دست می آید که حفظ نظام و مصالح عمومی مورد تأیید و به عنوان برای ما ثابت و مسلم است. بدون شک هر چیزی که مخالف نظام و مصالح عمومی باشد، حکومت اسلامی باید جهت حفظ نظام و مصالح عمومی با آن برخورد و مقابله کند.

بخش هفتم: دلالت قاعده بر حرمت پولشویی

پولشوئی از سه جهت مخالف مصالح جامعه است: اولاً: درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم، درآمدهایی غیر مشروع و غیر قانونی هستند و بر خلاف نظم عمومی است چون تصرفاتی که در آن انجام می گیرد برای کم کردن و مشروع و قانونی جلوه دادن منشأ نامشروع این درآمدهاست، ثانیاً: از آنجا که درآمدهای حاصل از جرم پس از گذر از چرخه پولشویی، دوباره برای ارتکاب جرایم جدید و زیان بار تری به کار گرفته می شود، و چنین فعالیت هایی از این حیث که مقدمه و مبنایی برای جرایم آنی تلقی می شوند، بر خلاف



مصالح اجتماع و جامعه اسلامی هستند و با نظامات و مقررات حکومتی مغایرند (اسعدی ۱۳۸۶: ۴۶۱). ثالثاً: پولشویی موجب اختلال و بی ثباتی در بازارهای مالی و اختلال در نظام مالیاتی، تضعیف بخش خصوصی، بی عدالتی و همچنین خسارات قابل توجه اجتماعی و باعث فاسد کردن ساختار حکومت و امنیت کشور و بسیاری آثار و پیامدهای دیگر در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی می شود. به عبارت دقیق تر، پولشویی موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و جامعه می شود. و از آنجا که حفظ نظام و مصالح عمومی عقلاً واجب است و آنچه موجب اختلال می شود، باید با آن برخورد و مبارزه کرد پس پولشویی حرام و باید با آن مبارزه کرد. (ج) اصل ضمان پد متعاقبه یکی از دلایلی که به نظر می رسد دلیل جرم انگاری پولشویی می شود، اصل ضمان آبادی متعاقبه است. اما لازم به ذکر است که این اصل تنها جنبه حقوقی دارد یعنی ضمان و مسئولیت مدنی جرم پولشویی را اثبات می کند. به تعبیر دیگر می توان از این اصل حکم وضعی یعنی ضمان این پدیده را کشف کرد.

اصل اضمآن آبادی متعاقبه، یعنی اینکه مال نامشروع و غیر قانونی که به چند دست انتقال پیدا کند، همه آن ایادی ضامند؛ به عنوان مثال اگر کسی مالی را سرقت کند و سپس آن شخص، آن مال را به شخص دیگر انتقال دهد و این شخص هم، مال را به شخص دیگر انتقال دهد و به همین ترتیب انتقال پیدا کند، در این صورت چون مال، مال مسروقه است، تمام عملیاتی که صورت می گیرد مشمول اصل ایادی متعاقبه قرار می گیرد و تمام این افراد ضامن هستند. به عبارت دیگر، این فعل و انفعالات و مبادلات سیب مالکیت نمی شود و همه آنها باطل است. امام خمینی می فرماید: همه آنچه از ضمان به تفصیل گذشت در تمامی پدهای جاری بر مال غیر بدون حق جاری است ولو عدوانی و غاصبانه و ظالمانه نباشد امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۶۵۷ م ۵۳)

همچنین در رساله نجاه العباد می فرماید: اگر مالی را غصب کرد و دیگری از او غصب کرد و سومی از دومی غصب کرد و همچنین تا هر چه برسد، پس از آن پیش آخرین تلف شده، صاحب مال می تواند به هر یک از اینها رجوع کند و غرامت بگیرد، بلکه می تواند به همه رجوع کند و از هر یک چربی به طور تساوی یا اختلاف از قیمت با مثل مالش بگیرد، و اگر گرفت ضمان به عهده آن شخص

آخر است و دیگران می توانند به او رجوع کنند، چنانچه هر سابقه بر متأخر از خودش می تواند رجوع کند. هر کس استیلا بر مال یا حق کسی پیدا کند ضامن است، اگر استیلا بدون حق بوده، چه به طور غصبی باشد یا نه، مثل آنکه معامله بکند و صحیح نباشد و عین و قیمت را رد و بدل کنند، در این صورت هر دو ضامن مال دیگری هستند، یا آنکه کسی مال دیگری را اشتباه یا جهلاً بردارد آن نیز ضامن است، اگر تلف شود؛ لکن اگر خود مالک چیزی را امانت بدهد یا شارع به امانت بودن چیزی حکم کند ضامن نخواهد بود (امام خمینی ج ۱۳۸۵: ۳۴۴).

نتیجه گیری

آنچه ارائه شد، مختصر توضیحاتی راجع به اهمیت جرایم سازمان یافته و تهدیدات ناشی از آنها و بررسی بهترین شیوه یا شیوه های مبارزه با آنها بود. همان طور که اشاره شد، یکی از بهترین شیوه های مبارزه با این تشکل ها، جلوگیری از ورود درآمدهای نامشروع آنها به حوزه های مختلف سرمایه گذاری است که موجب می شود آنچه را که آنها از ارتکاب جرایمشان دنبال می کنند بی حاصل ببینند و به این ترتیب می توان امیدوار بود پیشگیری مؤثر و مبارزه قاطعی با این جرایم به عمل آمده است. اما ناگفته پیداست که درآمدهای هنگفت حاصل از این جرایم که با تولید ناخالص داخلی قدرتهای اقتصادی دنیا برابری می کند، مسأله ای نیست که به راحتی بتوان از آن گذشت و به همین خاطر این تشکل ها تصمیم گرفتند اموال نامشروع خود را از طرق دیگری وارد چرخه های مشروع اقتصادی کنند که این کار آنها خود فرایند مجرمانه دیگری را به نام پول شویی را رقم زد و مجدداً سیاست گذاران را بر آن داشت به وضع مقررات ضد پول شویی نیز مبادرت ورزند. پول و بانکداری الکترونیک به راستی برای پول شویان که همان تشکل های مجرمانه سازمان یافته هستند، ابزارهای بسیار ارزشمندی محسوب می شود. زیرا با کمترین هزینه بیشترین منفعت را از اهداف شوم خود می برند. این در حالی است که این فناوری های نوین به لحاظ مزایای مشروع بیشماری که برای جوامع به همراه دارند، قابل حذف یا چشم پوشی نیستند و تنها راهی که باقی می ماند این است که سیاست های اصولی ای دنبال شود که از سوء استفاده های کلانی نظیر



پول شویی جلوگیری شود و در عین حال به فعالیتهای مشروع و قانونی ای که موجبات پیشرفت و سازندگی جوامع را فراهم می آورند لطمه ای وارد نیاید. بنابراین، همان طور که ملاحظه می شود، آنچه که در اینجا از اهمیت اساسی برخوردار است، برقراری یک توازن متعارف، عادلانه و قانونی میان این دو عامل متناقض است که هر یک در جای خود از اهمیت قابل توجهی برخوردارند.

اما باید دید این مسأله در مورد کشورمان تا چه اندازه از اهمیت برخوردار است. می دانیم که ایران در یکی از کانون های پول شویی دنیا قرار دارد و طبق گزارش های منتشره از سوی سازمان ملل متحد و بانک جهانی، ایران دومین کانون پول شویی دنیا محسوب می شود و به لحاظ موقعیت استراتژیکی که برخوردار است و پل ارتباطی شرق و غرب محسوب می شود، مدتهاست از سوی مجامع بین المللی و بین الدولی تحت فشار قرار داشته تا نسبت به وضع مقررات ضد پول شویی و ساماندهی نظام پولی و بانکی خود گامهای اساسی بردارد که متأسفانه با وجود اهمیت روزافزون این مسأله هنوز اقدام در خور توجهی انجام نشده است. با اینکه در سال ۸۲ به دنبال برگزاری همایش بین المللی پول شویی یک

فوریتی بودن لایحه قانونی مبارزه با پول شویی به تصویب رسید، اما با گذشت قریب به دو سال هنوز از تصویب نهایی آن خبری نیست. این در حالی است که

هم اکنون مبارزه با مفاسد اقتصادی به ویژه قاچاق کالا و ارز از چنان اهمیتی برخوردار شده که در سطح سران سه قوه مطرح است و بدیهی است یکی از طرق مؤثر مبارزه با این جرایم، ساماندهی نظام پولی و بانکی از طریق وضع مقررات ضد پول شویی است. فعالیت و بهره برداری از شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای، نحوه حمایت از حریم خصوصی و داده های شخصی افراد در این شبکه ها، مقررات حاکم بر تجارت الکترونیک و مبادلات مالی آنلاین و مسایلی از این قبیل، ارتباط مستقیمی با وضع مقررات ضد پولشویی الکترونیکی دارد و همان طور که ملاحظه شد، ضروری است در ابتدا یک بسترسازی اساسی صورت گیرد.

با پولشویی موضوع جدیدی است و نمی توان در فقه تعریفی برای آن پیدا کرد؛ اما مبانی فقهی روشنی نظیر آیات اکل مال به باطل، اکل سحت و روایاتی از جمله کلام حضرت علی(ع) و قواعد فقهی چون قاعده لاضرر و حفظ نظام، بر



نامشروع بودن این پدیده دلالت می کنند. امام خمینی (ره) با استناد به این مبانی این عمل را جرم انگاشته اند و مجازات آن هم بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل محرم»، تعزیر است. نهایتاً باید اذعان داشت میان «تطهیر پول» و «خمس مال حلال مخلوط به حرام» هیچ وجه شباهتی نیست؛ چرا که در تطهیر پول، بحث از ارتکاب جرایم منشأ و درآمد حاصل از آن جرایم است و همچنین دارنده در آمد علم و آگاهی به حرام و نامشروع بودن این اموال دارد و به منظور فرار از مجازات و پیامدهای قانونی آن اقدام به تطهیر می نماید. حال آنکه در بحث خمس، بحث از جرایم منشأ و در آمد حاصل از آن نیست؛ بلکه شخص با پرداخت خمس به دنبال پاک و تطهیر کردن واقعی اموال خود است.



منابع و مأخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد

- ابن ابی الحديد، عبد الحمید. (بی تا) شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن اثیر، مبارک ابن محمد. (بی تا) النهایة فی غریب الحديث و الاثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق) لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- احمدی نژاد منفرد، مریم. (۱۳۸۸) «پولشویی و سیستم مالی شامل آثار اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، توسعه صادرات، شماره ۷۸
- اسعدی، سید حسن (۱۳۸۶) جرایم سازمان یافته فراملی، تهران: میزان، چاپ اول.
- اسماعیلی، اسماعیل. (پاییز ۱۳۷۳) «اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری (ره)»، کاوشی نو در فقه اسلامی مجله فقه، شماره اول، سال اول.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱) کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق) البیع، قم: مجمع فکر الاسلامی، چاپ اول.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۵) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: چاپخانه حیدری، چاپ اول.
- حیدری، علیمراد. (تابستان ۱۳۸۳) «جرم انگاری پولشویی»، فقه و حقوق، سال اول
- خویی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱) مصباح الفقاهه، قم: وجدانی، چاپ سوم.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۳ق) تهذیب الأصول، تقریر ابحاث الاستاذ الاعظم آیت الله العظمی السید روح الله موسوی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، الطبعة الأولى.



- طباطبائی، محمد حسین. (بی تا) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق) مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الأولى.
- کاشانی، محسن. (۱۴۱۶ق) تفسیر الصافی، تحقیق اعلمی، تهران: مکتبه الصدور، چاپ اول.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱) قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم. قرطبی، محمد. (۱۴۰۵ق) الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷) الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۳) آیات الاحکام حقوقی - جزایی، تهران: نشر میزان
- مغربی، نعمان. (۱۳۸۳) دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، قاهره: دارالمعارف.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵) پیام امام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول موسوی.
- بجنوردی، میرزا حسن. (۱۴۱۹ق) القواعد الفقهیة، تحقیق: مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم: نشر الهادی، چاپ اول.